

تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق در بستر تحلیلی قدرت نرم

مرتضی شهبابی * و عبدالمحمد کاشیان **

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	شماره صفحه: ۲۵۴-۲۱۷
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق در بستر تحلیلی قدرت نرم می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم ایران چه تأثیری بر روابط تجاری ایران و عراق داشته است؟ از منظر تحلیلی، انتظار بر این است که هر یک از مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم، نقش بسیار مهمی در توسعه روابط ایران و عراق داشته باشد و بهبود هر کدام از این مؤلفه‌ها به توسعه روابط تجاری ایران و عراق منجر شود. برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و آزمون فرضیه، در ابتدا تحلیل جامعی از قدرت نرم و جنبه‌های اقتصادی آن ارائه شده و در ادامه با احصای مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم، داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۸۹-۲۰۲۰ با استفاده از یک الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش ضمن تأیید رابطه مثبت میان مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و توسعه روابط تجاری با عراق، دلالت بر آن دارد که توسعه روابط تجاری ایران با عراق و حضور تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل، به افزایش قدرت نرم به‌خصوص در مؤلفه‌های حکمرانی، سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و توسعه روابط تجاری نیاز دارد. بهبود هر یک از این مؤلفه‌ها ضمن بهبود قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، در توسعه روابط تجاری با عراق تأثیر مثبت می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم؛ تجارت خارجی؛ روابط تجاری؛ تولید ناخالص داخلی؛ حکمرانی خوب

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛

Email: shahrabi_morteza@yahoo.com

** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: kashian@semnan.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2024.15312.5492

مقدمه

قدرت ملی هر کشور دو وجه نفوذ و اجبار دارد. وجه نفوذ، بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها تلاش می‌کنند با اعمال نفوذ خود بر دیگران، قدرت خود را به کار گیرند و اراده خود را تحقق بخشند. وجه اجبار بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که به‌طور معمول دولت‌ها در مراحل بعدی و در صورت مؤثر واقع نشدن وجه نفوذ به کار می‌گیرند. وجه نفوذ همان مؤلفه‌هایی است که از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و اندیشمندان و محققان سیاست بین‌الملل و مطالعات راهبردی نیز در مناسبات بین واحدهای سیاسی و در عرصه نظام بین‌الملل از این نوع قدرت سخن گفته‌اند. هرچند قدرت نرم از حیث شامل شدن قدرت سخت (تهدید) یا پاداش نمی‌تواند مانند نفوذ باشد، ولی چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است. قدرت نرم همچنین شامل توانایی‌های جذب کردن و اغلب مشارکت توأم با رضایت می‌شود (نای، ب ۱۳۸۷: ۴۴ و بیگدلو، ۱۳۹۰: ۱۵۶). مفهوم قدرت نرم به قابلیت کشورها در جذب و متقاعدسازی، در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این جهت آن را در برابر پرداخت مالی یا اجباری قرار می‌دهد. اهمیت این قدرت در آن است که با کمترین هزینه در مقایسه با قدرت سخت می‌توان اهداف کلیدی را در عرصه بین‌الملل محقق ساخت. بنابراین، قدرت نرم «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به‌جای اجبار یا تطمیع است» (Nye, 2004). یکی از آثار افزایش قدرت نرم، گسترش بازار هدف و افزایش صادرات به کشورهای مختلف دنیاست. طبیعتاً کشوری که قدرت نرم بیشتری دارد، توان بیشتری در توسعه روابط تجاری خود با سایر کشورهای دنیا دارد و می‌تواند در توسعه روابط خود موفق‌تر باشد. پژوهش حاضر به تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق در بستر تحلیلی قدرت نرم می‌پردازد و آثار بهره‌گیری را در توسعه روابط اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. عراق به‌عنوان کشور همسایه ایران و داشتن بیشترین مرز خشکی (به طول ۱۴۵۸ کیلومتر که طولانی‌ترین مرز خشکی کشور محسوب

می‌شود)، وجود شش گذرگاه مرزی و دوازده بازارچه مرزی و علاوه بر این با توجه به منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که در بالا گفته شد و مبانی همبستگی تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک بین دو کشور به مثابه بستر اساسی تولید و بازتولید قابلیت‌ها و توانمندی‌های ایران در برابر عراق است. پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی نظری پژوهش، به معرفی روش و درنهایت به بیان یافته‌های پژوهش خواهد پرداخت.

۱. مبانی نظری پژوهش

واژه «قدرت نرم» از جمله مفاهیمی است که امروزه در محافل علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان مورد تأکید زیادی است و با وجود داشتن سابقه کوتاه در متون مکتوب سیاسی و بین‌المللی، منابع و مؤلفه‌های آن مورد توجه بسیاری از سیاست‌مداران و سیاست‌سازان جهانی، به خصوص در سال‌های اخیر قرار گرفته است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت قدرت نرم در برابر قدرت سخت قرار گرفته و دو قطب از یک پیوستار قدرت را شامل می‌شود. همچنین، بر وجود ایده‌ها، فعل و انفعالات و نهادهای متفاوت برای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاست، امنیت و اقتصاد دلالت دارد. راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بر ارزش‌های سیاسی مشترک و ابزارهای غیرخشونت‌آمیز برای مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارد. در حالی که راهبردهای معطوف به قدرت سخت، عموماً در راستای پیشبرد منافع ملی بر مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی تمرکز می‌کند و به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شود (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲: ۶).

نظریه قدرت نرم را اولین بار جوزف نای، نظریه‌پرداز نئولیبرال روابط بین‌الملل مطرح کرد. وی مفهوم قدرت نرم را به کار گرفت و منابع آن را مشتمل بر فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی معرفی کرد و آموزش و پژوهش در این مفهوم‌پردازی ذیل فرهنگ تعریف شدند (Nye, 2004).

واقعیت‌های کنونی نشان‌دهنده آن است که تأکید صرف بر قدرت سخت در قدرت‌افکنی، موفقیت‌پایداری را دربر ندارد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، کشورها همواره قوی‌ترین باقی نخواهند ماند، مگر آنکه قدرت خود را به حق تبدیل کنند. ترجمان این گفته، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است (عسگری، ۱۳۹۰: ۵۲).

توجه به ابعاد نرم قدرت در کنار قدرت نظامی به‌عنوان بعد سخت قدرت در سیاست‌های کلان قدرت‌های بزرگ نمود یافته است. در سال ۲۰۰۷ رابرت گیتس، وزیر وقت دفاع آمریکا خواستار سرمایه‌گذاری دولت این کشور برای ارتقای قدرت نرم آمریکا در جهان شد. به باور وی، صرف اعمال قدرت نظامی باعث دفاع از منافع جهانی آمریکا نخواهد شد. موضوع به‌کارگیری قدرت نرم محدود به جمهوری خواهان آمریکا نشد و در روند سیاستگذاری دولت دمکرات باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ و هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وی نیز مورد توجه قرار گرفت (Nye, 2004:10). در اکتبر ۲۰۰۷، هوجین تائو، از قصد چین برای ارتقای قدرت نرم سخن گفت. این کشور با راه‌اندازی مؤسسه‌های کنفوسیوس در سراسر جهان، جذب دانشجویان خارجی و بهره‌گیری از دیپلماسی نرم در سیاست خارجی خود عملاً ابزار قدرت نرم را برای پیشبرد برنامه‌های ارتقا به قدرت برتر جهانی به‌کار گرفته است (Yang, 2010: 238).

۱-۱. قدرت نرم اقتصادی

مطالعات انجام شده در ادبیات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، نشان‌دهنده اجماع بر توپولوژی دوبرخشی قدرت به دو شکل قدرت اقتصادی مستقیم و قدرت اقتصادی غیرمستقیم است. قدرت اقتصادی مستقیم هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع هر دولت به‌کار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده دولت از ابزارهای تنبیه و تشویق اقتصادی برمی‌گردد. در مطالعات انجام شده، از ترکیب مفاهیم پیش‌گفته، به ایده قدرت اقتصادی غیرمستقیم رسیده و به‌صورت ذیل تعریف شده است: «توانایی کسب شده هر کشور به‌صورت عامدانه یا غیرعامدانه ناشی از اندازه، تنوع و پیوندهای اقتصادی خود که از طریق شکل‌دهی

محیط فعالیت و تعیین دامنه رفتارهای ممکن از سوی دیگران، به‌طور مستقیم روی رفتار آنها تأثیر می‌گذارد» (خادمی، ۱۳۸۷). با ملاحظه این دو مفهوم و مفاهیم قدرت نرم، این دو نوع قدرت مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی را می‌توان به‌ترتیب، قدرت سخت اقتصادی و قدرت نرم اقتصادی نامید (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲).

با وجود اینکه بسیاری از اندیشمندان صرفاً چهره فرهنگی قدرت نرم را نشان داده‌اند اما جذابیت‌های اقتصادی و توانمندی‌های داخلی و خارجی کشورها نیز بسیار تأثیرگذار خواهد بود و قدرت نرم را نمی‌توان به مؤلفه‌های فرهنگی منحصر کرد. اگرچه نای در تقسیم‌بندی ابتدایی خود انواع قدرت را نظامی، اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت اقتصادی را همچون قدرت نظامی در لایه قدرت سخت به‌شمار می‌آورد، اما در آثار بعدی خود معتقد است منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند، به همین دلیل قدرت اقتصادی را یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند (نای، ب ۱۳۸۷).

قدرت اقتصادی توان شکل دادن به ترجیحات دیگران با اعمال ابزارهای اقتصادی را دارد. در این صورت، چنانچه ابزارهای اقتصادی مورد استفاده یا مکانیسم اعمال این ابزارها دارای ماهیت «نرم» باشد، زمینه شکل‌گیری «قدرت نرم اقتصادی» فراهم شده است.

نگاهی به مؤلفه‌های مطرح شده در تحقیقات اقتصادی نشان می‌دهد متغیرهای مختلفی ازجمله کارایی اقتصادی، نهادهای اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و امثال آن وجود دارد. برآیند بسیاری از این مؤلفه‌ها ازجمله کارایی، نهادهای فرهنگ، شفافیت و امثال آن را می‌توان در تولید داخلی خلاصه کرد؛ چراکه همه این مؤلفه‌ها در نهایت بر تولید داخلی تأثیر می‌گذارد. سایر مؤلفه‌هایی که به‌صورت مجزا امکان طرح و اهمیت زیادی دارد سرمایه اجتماعی، میزان روابط تجاری کشور و میزان سرمایه‌گذاری در خارج از کشور است. همچنین بسیاری از مؤلفه‌های مطرح شده ازجمله دیپلماسی اقتصادی، ارتباطات اقتصادی، مبادلات اقتصادی کمک‌های اقتصادی را می‌تواند ذیل سطح تجارت خارجی کشور مطرح کرد. درمجموع می‌توان چهار مؤلفه اصلی تولید

داخلی، حکمرانی شایسته، میزان روابط تجاری کشور و میزان سرمایه‌گذاری را در خارج از کشور به‌عنوان چهار متغیر جامع شناسایی کرد که بسیاری از مؤلفه‌های فوق را در خود دارد و از آنها به‌عنوان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم یاد کرد (علایی‌پور و کاشیان، ۱۴۰۱).

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند باعث افزایش قدرت نرم کشورها شود، مؤلفه حکمرانی خوب و مطلوب است. حکمرانی خوب یکی از مفاهیمی است که اولین بار بانک جهانی در اواخر سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی عنوان کرد و به‌سرعت مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی، آژانس‌های توسعه و محافل آکادمیک قرار گرفت و با وجود گذشت سه دهه از عمر آن با توجه به نتایج حاصل از آن، هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. کمیسیون اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، حکمرانی را به‌معنای فرایند تصمیم‌گیری یا فرایندی تعریف می‌کند که تصمیم‌ها در آن اجرا می‌شود یا اجرا نمی‌شود. چندجانبه بودن حکمرانی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. در این پارادایم کشورهای ضعیف به‌دلیل حکمرانی بد و کشورهای توسعه‌یافته به‌دلیل حکمرانی خوب به این سرانجام رسیده‌اند. شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب در دولت‌های توسعه‌گرا بر همه نهادها و سازمان‌ها اعمال می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌ها عبارتند از: شفافیت و پاسخگویی، نظارت، اثربخشی دولت، کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله، کیفیت تنظیم مقررات، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد (نادری، جعفر قلیخانی و بلوردی، ۱۴۰۰).

طبق تعریف ارائه شده برای شاخص حاکمیت خوب برآیند مؤلفه‌هایی از جمله کارایی، شفافیت، فرهنگ و ... را می‌توان در شاخص حکمرانی خوب خلاصه کرد. سایر مؤلفه‌هایی که اهمیت بیشتری دارد و هرکدام را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی جداگانه قابلیت طرح دارد می‌توان به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در کشورهای جهان و به‌تبع آن حجم تجارت خارجی ایران با سایر کشورهای دنیا اشاره کرد که مواردی همچون دیپلماسی اقتصادی، صادرات و واردات، ارتباطات اقتصادی و ... زیرمجموعه همین دو مؤلفه اصلی قرار می‌گیرد. در آخر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های

اقتصادی قدرت نرم تولید ناخالص داخلی یا به عبارت دیگر رشد اقتصادی است که پایه و اساس اقتصاد هر کشور را دربرمی گیرد.

۱-۲. مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم و روابط تجاری

در بخش قبل چهار مؤلفه اقتصادی قدرت نرم احصا شد. در این بخش به بررسی آثار هریک از این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط تجاری با تأکید بر روابط تجاری ایران و عراق پرداخته خواهد شد. ایده اصلی پژوهش آن است که با افزایش قدرت نرم از طریق افزایش نفوذ و بهبود اعتبار، زمینه را برای توسعه صادرات و گسترش بازارهای هدف صادراتی فراهم آورد. از این منظر هر مؤلفه اقتصادی که به بهبود قدرت نرم منجر شود، می‌تواند بر توسعه روابط تجاری مؤثر باشد.

۱-۲-۱. سرمایه‌گذاری در خارج و قدرت نرم

سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج^۱ می‌تواند تأثیر چشمگیری بر روابط تجاری بین کشورها داشته باشد به این معنا که شرکت‌های داخلی در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری می‌کنند و این می‌تواند آثار متعددی بر روابط تجاری داشته باشد. اولاً، سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج به گسترش تجارت بین کشور سرمایه‌گذار و کشور میزبان منجر می‌شود. هنگامی که شرکت‌ها در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند، اغلب تأسیسات تولیدی یا شرکت‌های تابعه ایجاد می‌کنند که می‌تواند صادرات را از کشور سرمایه‌گذار به کشور میزبان افزایش دهد. این به عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی شناخته می‌شود (Lipsey and Sjöholm, 2004: 415).

ثانیاً، سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج می‌تواند انتقال فناوری بین کشورها را تسهیل کند و به بهبود بهره‌وری و رقابت منجر شود. شرکت‌های چندملیتی^۲ اغلب فناوری‌های پیشرفته و شیوه‌های مدیریتی را به شرکت‌های تابعه خارجی خود

1. Outward Foreign Direct Investment (OFDI)

2. Multinational Corporations

می‌آورند که می‌تواند به نفع اقتصاد کشور میزبان باشد. بلومستروم و همکاران^۱ (۱۷۷۰: ۱۹۹۷) در مطالعه خود دریافتند که سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج مبتنی بر فناوری، به‌طور مثبت بر صادرات کشور میزبان تأثیر می‌گذارد.

ثالثاً، سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج می‌تواند دسترسی به بازار را برای محصولات کشور سرمایه‌گذار در بازار کشور میزبان فراهم کند. با ایجاد تأسیسات تولید محلی یا شرکت‌های تابعه، شرکت‌ها می‌توانند بر موانع تجاری مانند تعرفه‌ها یا سهمیه‌ها غلبه کنند و در بازار کشور میزبان رفتار ترجیحی کسب کنند. این امر می‌تواند روابط تجاری دوجانبه بین دو کشور را تقویت کند (Helpman et al., 2004: 300).

البته توجه به این نکته مهم است که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج بر روابط تجاری بسته به شرایط خاص و سیاست‌های مربوطه می‌تواند متفاوت باشد. عواملی مانند ماهیت سرمایه‌گذاری، مقررات کشور میزبان و محیط کلی اقتصادی همگی می‌تواند بر نتایج تأثیر گذارد.

۲-۱. حکمرانی و روابط تجاری

هرچند حکمرانی مفهوم چندبعدی دارد، اما ابعاد اقتصادی آن از اهمیت زیادی برخوردار است و تأثیر چشمگیری بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله توسعه روابط تجاری دارد. حکمرانی شایسته که یکی از مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم است، می‌تواند از جنبه‌های متعددی بر توسعه روابط تجاری کشور تأثیرگذار باشد. در درجه اول سیاست‌ها و مقررات تجاری، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر روابط تجاری داشته باشد. دولت‌ها اغلب اقدام‌هایی مانند تعرفه‌ها، سهمیه‌ها، یارانه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای را برای حمایت از صنایع داخلی یا ارتقای بخش‌های خاص اجرا می‌کنند. این سیاست‌ها می‌تواند روابط تجاری با سایر کشورها را تسهیل یا مانع شود. از طرفی حکمرانی شایسته نقش مهمی در مذاکره و اجرای قراردادهای آزاد تجاری دارد. هدف این قراردادهای کاهش موانع تجاری و ارتقای یکپارچگی اقتصادی بین کشورهاست. شرایط و ضوابط

1. Blomström, Kokko and Zejan

توافق شده در قراردادهای آزاد تجاری می‌تواند با ایجاد دسترسی ترجیحی به بازارها، کاهش تعرفه‌ها، هماهنگ کردن مقررات و حمایت از حقوق مالکیت معنوی، بر روابط تجاری تأثیر زیادی گذارد و درنهایت از بعد نظارتی، جنبه‌های مختلف تجارت مانند استانداردهای محصول، مقررات فنی، رویه‌های گمرکی و حمایت از مالکیت معنوی را کنترل می‌کند. یک محیط نظارتی شفاف و قابل‌پیش‌بینی برای تقویت اعتماد میان شرکای تجاری و تسهیل روابط تجاری روان ضروری است. همچنین حکمرانی اقتصادی مؤثر مستلزم حضور نهادهایی است که بر فعالیت‌های مرتبط با تجارت نظارت می‌کنند. نهادهایی مانند مقامات گمرکی، آژانس‌های ترویج تجارت، نهادهای حل‌وفصل اختلاف‌ها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای نقش حیاتی در تضمین روابط تجاری کارآمد دارند (Baldwin and Evenett, 2019; Hoekman and Koštecki, 2009; WTO, 2021).

۳-۲-۱. تولید ناخالص داخلی و روابط تجاری

تولید ناخالص داخلی بر روابط تجاری می‌تواند تأثیر بسیاری داشته باشد، زیرا اندازه و رشد اقتصادی هر کشور اغلب بر الگوهای تجاری آن تأثیر می‌گذارد. حداقل دو بعد اندازه بازار و مزیت نسبی، می‌تواند توضیح دهد که چرا افزایش تولید ناخالص داخلی می‌تواند بر رشد مراودات تجاری کشور تأثیرگذار باشد. از بعد اندازه بازار، تولید ناخالص داخلی هر کشور نشان‌دهنده اندازه بازار داخلی آن است. اقتصادهای بزرگ‌تر با تولید ناخالص داخلی بالاتر به داشتن قدرت خرید و تقاضای مصرف‌کننده بیشتری تمایل دارند و آنها را به بازارهای جذابی برای سایر کشورها جهت صادرات کالاها و خدمات خود تبدیل می‌کند. این امر می‌تواند به افزایش روابط تجاری بین کشورها منجر شود. از بعد مزیت نسبی نیز، تولید ناخالص بر مزیت نسبی هر کشور در صنایع خاص تأثیر می‌گذارد. کشورهایی که تولید ناخالص داخلی بالاتری دارند اغلب از فناوری پیشرفته، زیرساخت و نیروی کار ماهر برخوردارند که می‌تواند به آنها مزیت رقابت در تولید کالاها یا خدمات خاص دهد که این امر درنهایت به افزایش صادرات و روابط تجاری با کشورهایی شود که در سایر بخش‌ها دارای مزیت نسبی

هستند (Krugman, Obstfeld and Melitz, 2018).

۴-۲-۱. گستره روابط تجاری و تأثیر بر قدرت تجاری کشور

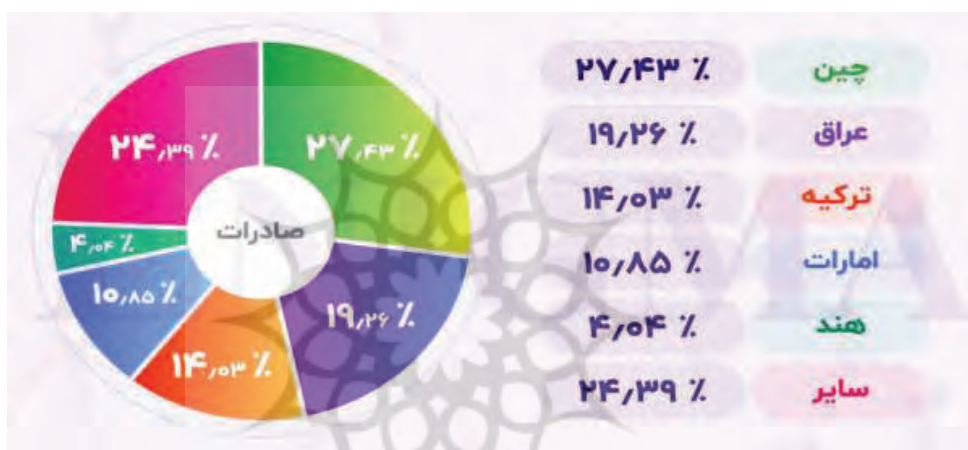
توسعه روابط تجاری می‌تواند تأثیر چشمگیری بر قدرت نرم هر کشور داشته باشد. تجارت امکان مبادله کالاها، خدمات و ایده‌ها را بین کشورها فراهم می‌کند و تعاملات فرهنگی را تسهیل می‌کند. از طریق تجارت، کشورها می‌توانند محصولات فرهنگی خود مانند موسیقی، فیلم، ادبیات، مد و غذا را به نمایش گذارند. این تبادل فرهنگی می‌تواند قدرت نرم هر کشور را با ترویج ارزش‌ها، سنت‌ها و شیوه زندگی آن کشور افزایش دهد. از طرفی تجارت می‌تواند به شکوفایی و توسعه اقتصادی کشور کمک کند. اقتصاد قوی می‌تواند با ارائه تصویری از موفقیت و ثبات، قدرت نرم کشوری را افزایش دهد. موفقیت اقتصادی همچنین می‌تواند به افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت با سایر کشورها منجر شود و قدرت نرم کشور را بیشتر تقویت کند. نهایتاً اینکه مشارکت فعال در شبکه‌های تجارت جهانی به کشورها اجازه می‌دهد تا در شکل دادن به هنجارها، قوانین و نهادهای بین‌المللی صدای خود را داشته باشند. کشورها با مشارکت فعال در مذاکرات تجاری و حمایت از شیوه‌های تجارت منصفانه، می‌توانند خود را بازیگران جهانی مسئول معرفی کنند و به‌عنوان رهبر یا تأثیرگذار در مسائل جهانی ظاهر شوند. در نتیجه با افزایش قدرت نرم هر کشور، امکان نفوذ و توسعه روابط تجاری به سایر کشورها بیشتر می‌شود (Wang, 2016; Melissen, 2005; Nye, 2004).

۵-۲-۱. روابط اقتصادی ایران و عراق

تجارت خارجی کشورها با همسایگان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه از یک‌سو، با کاهش فاصله جغرافیایی در تجارت خارجی، هزینه‌های تجاری کاهش می‌یابد و از سوی دیگر مبادلات تجاری و اقتصادی به‌معنای گره خوردن سایر تعاملات شامل تعاملات سیاسی و حتی امنیتی است و این یعنی دوجندان شدن اهمیت

مراودات تجاری و اقتصادی میان همسایگان که افزایش تعاملات در ابعاد سیاسی و امنیتی را در پی دارد. نزدیکی کشورهای همسایه موجب بهره‌مندی آنها از امکانات یکدیگر در جهت توسعه اقتصادی می‌شود. این موقعیت جغرافیایی فرصت بی‌بدیلی را به ایران برای توسعه روابط تجاری و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری‌اش می‌دهد (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲).

نمودار ۱. بزرگ‌ترین مقاصد صادراتی کشور در سال ۱۴۰۱

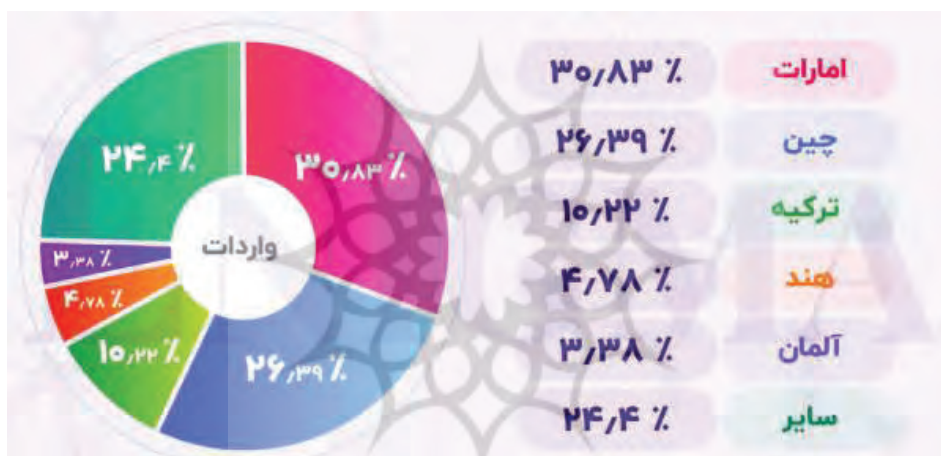


مأخذ: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

گسترش روابط با کشورهای همسایه، کمک به توسعه منطقه‌ای، افزایش رقابت‌مندی ایران در منطقه و همچنین توسعه تجارت با کشورهای واقع در منطقه آسیای جنوب غربی از اولویت برنامه‌های توسعه و محور فعالیت بخش بازرگانی است. عراق به‌عنوان یکی از کشورهای واقع در منطقه آسیای جنوب غربی می‌تواند یکی از بازارهای صادرات غیرنفتی کشور باشد (حسن‌پور، ۱۳۹۰). عراق جدید پس از تحولات پیش‌آمده و با توجه به قرابت‌های فرهنگی و جغرافیایی موجود بین دو کشور، در حوزه صادرات کالا و خدمات به یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شرکای تجاری ایران تبدیل شده است. در سال ۱۴۰۱، کشور عراق پس از چین بزرگ‌ترین واردکننده محصولات ایرانی بود که از نظر تنوع کالاهای وارداتی، در جایگاه نخست

بین کشورهای واردکننده کالاهای ایرانی قرار گرفت. حسب آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۹ درصد از صادرات ایران به عراق اتفاق می‌افتد و از این رو عراق دومین شریک صادراتی ایران محسوب می‌شود. این در حالی است که عراق در کشورهای شریک تجاری ایران در حوزه واردات جایگاه چندانی ندارد و همواره رابطه ایران و عراق یک‌طرفه بوده است. ۷۵ درصد واردات کشور در سال ۱۴۰۱ از پنج کشور امارات، چین، ترکیه، هند و آلمان بوده است.

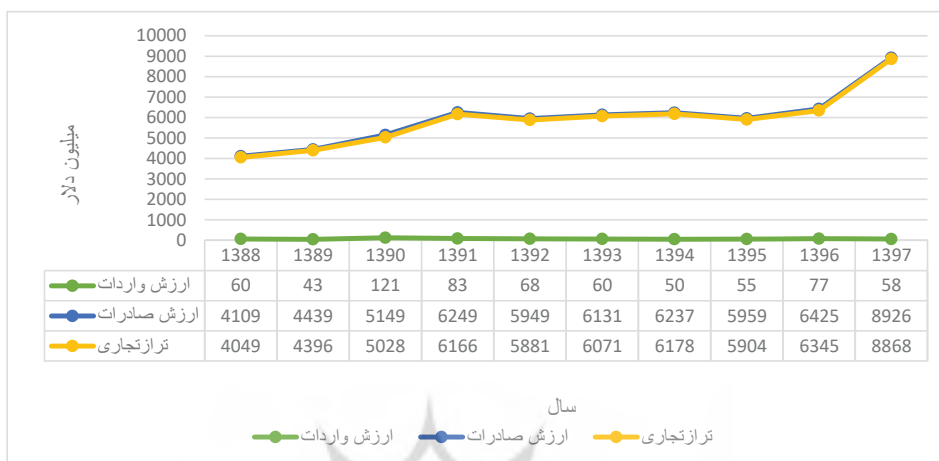
نمودار ۲. بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده به ایران در سال ۱۴۰۱



مأخذ: همان.

با توجه به داده‌های نمودار ۳ که روند ارزشی و مقداری صادرات ایران به عراق را طی ۱۰ سال نشان می‌دهد، حاکی از بیشتر بودن حجم صادرات به عراق نسبت به واردات آن است و تراز تجاری ایران با عراق همواره مثبت و به نفع ایران بوده است. همان‌طور که داده‌های پژوهش در جدول ۳ نشان می‌دهد، واردات ایران از عراق بسیار ناچیز و عملاً کمتر از ۱ درصد حجم صادرات ایران است. از این رو تعبیر روابط تجاری ایران و عراق در واقع معادل همان حجم صادرات ایران به عراق است.

نمودار ۳. مبادلات تجاری ایران و عراق



مأخذ: همان.

۳-۱. ظرفیت‌ها

امروزه کشور عراق به‌عنوان یک فرصت کم‌نظیر اقتصادی در همسایگی ایران مطرح است. عراق سرزمینی با مرز مشترک ۱۴۰۰ کیلومتری با ایران و جمعیت قریب به ۴۰ میلیون نفری دارای دومین ذخایر نفتی جهان است. همچنین از لحاظ جغرافیایی در موقعیت استراتژیکی واقع شده به‌طوری‌که در مسیر اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است و امکان راهیابی به آب‌های آزاد دارد. از سوی دیگر وجود ویرانی‌های حاصل از جنگ داخلی و خارجی و نیاز ضروری و روزافزون عراق به تمامی کالاها و خدمات تولیدی از جمله خدمات فنی و مهندسی، گردشگری، درمانی و ... بر اهمیت توسعه روابط اقتصادی ایران با عراق می‌افزاید. روابط دیرینه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، توانسته در کنار روابط خوب سیاسی، شرایط مراودات تجاری را بین دو کشور ایجاد کند (نجات‌نیا، ۱۳۹۷). فرصت‌های مشترک سرمایه‌گذاری در احداث پالایشگاه گاز در استان‌های غربی، سرمایه‌گذاری در احداث سد در منطقه اقلیم کردستان، سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه برق و انرژی خورشیدی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کارخانه‌های بازیافت در استان‌های

مختلف عراق و ... نمونه‌های کلی از ظرفیت‌های موجود در روابط تجاری بین ایران و عراق است که هرکدام در جزئیات موارد فراوانی را شامل می‌شود و به‌طور خلاصه می‌توان به این نتیجه رسید که کشور عراق بین کشورهای همسایه و منطقه بهترین گزینه برای سرمایه‌گذاری و توسعه تجاری خواهد بود.

۴-۱. نقش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در توسعه روابط با عراق

ایران قصد دارد با استفاده از قدرت سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی خود، یک استراتژی موفقیت‌آمیز قدرت هوشمند را در عراق توسعه دهد و از این طریق ضمن توسعه قلمروی نفوذ و قدرت خود از شکل‌گیری توازن قدرت به نفع رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی تهران در غرب آسیا از جمله عراق ممانعت ورزد (درج و شهیدانی، ۱۴۰۰: ۹۳).

نفوذ اقتصادی ایران سبب توسعه و گسترش قلمروی قدرت نرم در صفحه جغرافیایی عراق شده است و تأثیر بسزایی بر گروه‌ها و احزاب شیعی عراق داشته است. در این میان، پس از حملات ۲۰۰۳ به رهبری آمریکا به عراق، ایران به بزرگ‌ترین شریک تجاری عراق تبدیل شد؛ به گونه‌ای که این تجارت دوجانبه به ۴ میلیارد دلار رسید (Katzman, 2008). ایران و شرکت‌های دولتی، سرمایه‌گذاری زیادی در بازسازی عراق کرده‌اند و دو شهر نجف و کربلا، (از مقدس‌ترین مکان‌های شیعه که سالیانه صدها هزار زائر ایرانی را پذیرایی می‌کنند) سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای را از شرکت‌های دولتی ایران دریافت می‌کنند. دولت ایران سالیانه ۲۰ میلیون دلار برای پروژه‌های عمرانی با هدف بهبود زیرساخت‌های گردشگری این شهر در نظر می‌گیرد (Wong, 2007). علاوه بر این، شرکت‌های گردشگری دولتی ایران حامیان اصلی سفرهای زیارتی به شهرهای مقدس عراق هستند. آنها توانایی انتخاب شرکت‌های عراقی را دارند که با آنها برای حمل‌ونقل، حفاظت و اسکان زائران کار می‌کنند. این شرکت‌های عراقی غالباً از طریق پرسنل مشترک با احزاب سیاسی شیعه عراق در ارتباط هستند که این امر بیانگر نفوذ بالای ایران در عراق

است؛ زیرا تهران هر دو رویکرد سیاسی و اقتصادی را نسبت به عراق مدنظر قرار داده است (Dagher, 2009).

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. مطالعات داخلی

رفیع و نیکروش (۱۳۹۲) معتقدند قدرت نرم به یکی از ارکان اساسی سیاست بین‌الملل تبدیل شده است و جایگاه والایی بین سیاستمداران یافته است. عراق نیز کشوری است که ایران دارای منابع قدرت نرم متنوعی در آن است و باید تلاش شود با تقویت، بازنشانی و کاربست مانند سایر واحدهای سیاسی، ضریب نفوذ و قدرت نرم خود را در کشور عراق جدید افزایش دهد. آنها در این مقاله به بررسی منابع سیاسی، فرهنگی، مذهبی و بیشتر به پیوندهای فرهنگی و مذهبی پرداخته‌اند و معتقدند از مهم‌ترین عواملی بوده که ارتباطات عمیقی را بین دو ملت و دو کشور شکل داده و زمینه‌های نفوذ متقابلی را فراهم ساخته است.

جعفری و نیکروش (۱۳۹۲) به بررسی منابع قدرت نرم ایران در عراق می‌پردازند زیرا معتقدند با توجه به اهمیت استراتژیک موقعیت عراق، به تقویت و بازتولید قدرت نرم ایران کمک چشمگیری می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی است که کشور جمهوری اسلامی ایران منابع سیاسی قدرت نرم بسیاری در کشور عراق دارد که موارد زیر را شامل می‌شود: تصمیم‌های سیاستی ایران بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، روی کار آمدن شیعیان در عرصه سیاسی عراق، مواضع ضداسرائیلی و ضداستکباری جمهوری اسلامی ایران، مفاد قانون اساسی جدید عراق، کمک‌های بشردوستانه ایران برای بازسازی ویرانی‌های پس از جنگ و

قربی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد فرادستی و به‌صورت موردی سند چشم‌انداز بیست‌ساله می‌پردازد و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که بیشترین برجستگی‌های منابع قدرت نرم در سند

چشم‌انداز بیست‌ساله ایران کدام است و شامل چه مؤلفه‌هایی می‌شود؟ یافته‌های مقاله حاکی از این است که منابع فرهنگی با ۳۸/۷۷ درصد بیشترین فراوانی را در میان دیگر منابع قدرت نرم دارد و بعد از آن منابع سیاسی با ۲۶/۵۳، منابع اقتصادی با ۲۲/۴۴ و منابع علمی با ۱۲/۲۴ درصد در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در میان منابع قدرت نرم سند چشم‌انداز، معنویت (۵۴/۳۴)، تولید ملی (۱۹/۵۶)، پایبندی به نظام سیاسی (۱۵/۲۱) و دانش و فناوری (۱۰/۸۶) بیشترین فراوانی را در میان منابع قدرت نرم دارد که می‌تواند قدرت نرم جامعه ایرانی را در افق ۱۴۰۴ افزایش دهد.

درج و هدایتی شهیدانی (۱۴۰۰) تلاش دارند تا تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در تقویت قدرت و نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی عراق مورد توجه و تبیین قرار دهند. از آنجاکه بعد از سقوط رژیم بعث و صدام با حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، صحنه سیاست عراق با افزایش قدرت و نفوذ شیعیان همراه بوده است؛ لذا جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر رویکرد و منابع قدرت نرم خود، در تلاش است ضمن تقویت نقش وجایگاه شیعیان در معادلات سیاسی عراق، از خارج شدن فاکتورهای قدرت از دست شیعیان جلوگیری کند و در همین راستا به توسعه قلمروی نفوذ و توان بازیگری تهران در عرصه سیاست عراق مبادرت ورزد.

جدیدی، نصیری و برزین (۱۴۰۰) سعی بر شناسایی منابع قدرت نرم ایران در عراق طی بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ داشته‌اند. طبق یافته‌های این مقاله؛ کشورهایی که برای تحت تأثیر قرار دادن دیگر کشورها از ابزارهایی مثل فرهنگ، تاریخ، تمدن و جغرافیای خویش استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به‌مراتب مؤثرتر یافته‌اند.

حیدری، عزتی و فلاحی (۱۴۰۱) به بررسی این سؤال پرداخته‌اند که راهپیمایی اربعین چه تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌های مقاله حاکی است که راهپیمایی اربعین با تقویت ارزش‌های دینی، معنویت‌گرایی، تقویت ایثار، شهادت و انتظار بر ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اثر مثبت داشته است.

۲-۲. مطالعات خارجی

وانگ^۱ (۲۰۰۷) به بررسی این موضوع می‌پردازد که با توجه به اینکه جنگ در عراق به بن‌بست رسید، در این شرایط ایران سیاست خود را در مقابل عراق تغییر داده است تا خصومت‌های سنتی بین دو ملت را از بین برد و ارتباطات خود را با گروه‌های عراقی توسعه دهد و با جلوگیری از نفوذ آمریکا در امور داخلی عراق به کمک اشتراکات فرهنگی و مذهبی از تهدید امنیت ملی ایران جلوگیری کند.

زنویک^۲ (۲۰۱۸) به دنبال ارزیابی نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل به‌ویژه در ایجاد قدرت نرم دولت است. طبق مشاهدات انجام شده، فرهنگ عنصر جدایی‌ناپذیر بسیاری از جنبه‌های روابط بین‌الملل است. صادرات فرهنگ، ابزاری شناخته شده برای ساختن تصویر دولت، برند ملی و قدرت نرم است. علاوه بر این پرواضح است که جذابیت فرهنگی همیشه برای ایجاد مؤثر یک قدرت نرم کافی نیست، فرهنگ باید بخشی از یک سیستم منسجم از عناصری باشد که به‌طور مثبت بر قدرت نرم تأثیر می‌گذارد.

دی مارتینو^۳ (۲۰۲۰) به دنبال تعریف ایده قدرت نرم با تمرکز بر تکامل چنین ایده‌ای است، بر این اساس با توجه به تعریفی که جوزف نای فرموله کرده است به تعریف قدرت نرم، رابطه بین قدرت سخت و نرم، منابع و رفتارهای مولد قدرت نرم و بازیگران درگیر می‌پردازد. علاوه بر این با توجه به همه‌گیری کووید ۱۹ که نظم جهانی را تغییر داد نشان می‌دهد که استقرار دیپلماسی عمومی مؤثر هنوز در روابط بین‌الملل حیاتی است و در این میان تأثیر قدرت نرم انکارناپذیر است.

۳. جنبه نوآوری پژوهش

قدرت نرم به‌عنوان مفهومی نسبتاً جدید در دنیا شناخته می‌شود، با این حال در

1. Wang

2. Znojek

3. De Martino

این زمینه تحقیقات بسیار زیادی انجام شده و اغلب قدرت نرم را با فرهنگ و سیاست پیوند داده‌اند و کمتر جنبه‌های اقتصادی آن مورد توجه قرار گرفته است در صورتی که تمام منابع سیاسی و فرهنگی قدرت نرم که باعث افزایش نفوذ و قدرت کشورها می‌شود، نهایتاً به رشد اقتصادی می‌انجامد. در این مقاله علاوه بر اینکه مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است، روابط تجاری ایران و عراق نیز در این بستر مورد بررسی قرار می‌گیرد که از این لحاظ مقاله حاضر دارای نوآوری است. فرضیه اصلی پژوهش این است که مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم تأثیر مثبت بر روابط تجاری ایران و عراق دارد.

۴. روش تحقیق

در پژوهش حاضر برای ارزیابی و آزمون فرضیات از روش‌های آماری و اقتصادسنجی استفاده شده است. از این روش انجام این پژوهش تحلیلی-توصیفی است، به این ترتیب که ابتدا مباحث تئوریک و مطالعات تجربی پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و سپس از رویکرد مدل‌های خودهم‌بسته با وقفه‌های توزیعی^۱ استفاده شده است. تخمین معادلات به کمک نرم‌افزار ایویوز^۲ انجام شده که جداول آماری مربوط به هریک از متغیرها در بخش یافته‌های پژوهش ارائه خواهد شد.

۴-۱. تصریح مدل

مدلی که به عنوان مدل تجربی رگرسیون در این مطالعه استفاده شده است به صورت لگاریتم تابع سطح تجارت ایران و عراق است. علت استفاده از لگاریتم این است که کار با متغیرهای لگاریتمی راحت‌تر و صریح‌تر است و همچنین تفسیر ضرایب لگاریتم خیلی راحت‌تر از تفسیر ضرایب متغیرها در سطح است:

$$LnT = F(Lngdp(ir), gov, Fdi, LnVT, LnEx, Lngdp(iq)) \quad (1)$$

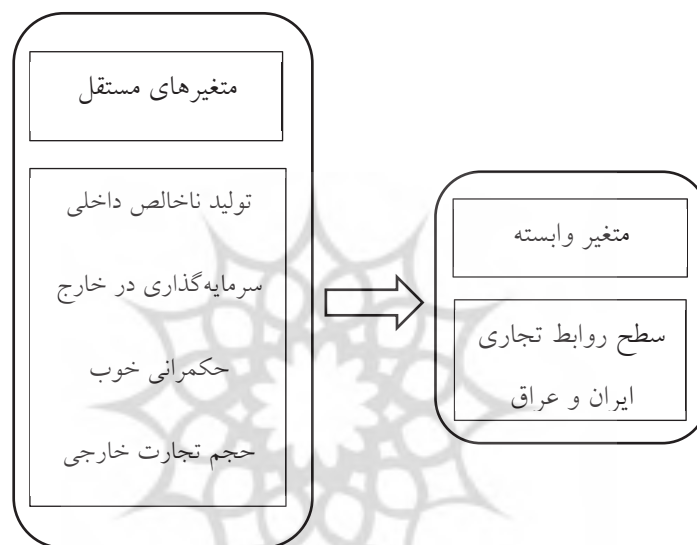
1. Autoregressive Distributed Lag (ARDL)

2. Eviews10

– متغیر وابسته:

LnT : لگاریتم ارزش تجارت ایران و عراق (دلار) به قیمت جاری است که از داده‌های آماری بانک مرکزی استخراج شده است.

شکل ۱. متغیرهای سطح تجارت ایران و عراق



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

– متغیرهای مستقل:

$LnGdp(ir)$: تولید ناخالص داخلی ایران به مقدار ثابت سال ۲۰۱۵ که داده‌های آن از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است.

Gov : شاخص حکمرانی است که داده‌های آن از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است. این عدد بین صفر و ۱ است و هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان از بالاتر بودن سطح حکمرانی دارد.

$OFdi$: سرمایه‌گذاری ایرانیان در خارج از کشور که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است.

$LnVT$: لگاریتم حجم تجارت خارجی ایران با سایر کشورهای دنیا به غیر از عراق

(برحسب دلار) که از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است.

– متغیرهای کنترل:

$LnEx$: لگاریتم نرخ ارز که از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است.

$Lngdp (ir)$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشور عراق به مقدار ثابت سال ۲۰۱۵

(برحسب دلار) که از مرجع داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است.

۲-۴. روش پژوهش (روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی)

روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، روش آماری است که برای تجزیه و تحلیل رابطه بین یک متغیر وابسته و مقادیر وقفه آن و همچنین یک یا چند متغیر مستقل دیگر و وقفه‌های آن استفاده می‌شود. درواقع در روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، متغیر وابسته روی مقادیر وقفه خود و همچنین مقادیر سایر متغیرها و وقفه‌های آن رگرسیون می‌شود. گنجاندن مقادیر وقفه امکان به‌دست آوردن رابطه پویا را بین متغیرها می‌دهد، زیرا تغییرات در متغیر وابسته ممکن است تحت تأثیر مقادیر گذشته آن و مقادیر گذشته سایر متغیرهای مرتبط باشد. از این‌رو، روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی چندین مزیت دارد: اولاً، می‌تواند داده‌های سری زمانی مانا و نامانا را درون خود داشته باشد و لذا آن را برای تجزیه و تحلیل طیف وسیعی از متغیرهای اقتصادی و مالی مناسب می‌سازد. ثانیاً، حتی زمانی که هیچ نشانه روشنی از هم‌انباشتگی متغیرها وجود نداشته باشد، باز هم برآوردهای بسیار مناسبی را ارائه می‌دهد. درنهایت، روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی روابط بلندمدت و پویای کوتاه‌مدت را به‌طور هم‌زمان مورد مطالعه قرار می‌دهد (Pesaran, Shim and Smith, 2001).

در مطالعات سری زمانی، هرگاه مجموعه‌ای از متغیرهای موردنظر براساس آزمون‌های ریشه واحد، رفتار دوگانه‌ای داشته باشد به این صورت که برخی از آنها در سطح، ایستا باشد و برخی دیگر از متغیرها با یک‌بار تفاضل‌گیری ایستا شود، استفاده از آزمون‌های هم‌انباشتگی معمول از جمله آزمون انگل-گرنجر برای بررسی وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها دیگر کارساز نخواهد بود. در این قبیل موارد استفاده از

روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی پیشنهاد می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد از دیگر مزایای الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی این است که پویایی کوتاه‌مدت را در خود لحاظ می‌کند و باعث می‌شود ضرایب الگو با دقت بیشتری برآورد شود. از آنجاکه در مسائل اقتصادی متغیرهای توضیحی با وقفه چندساله بر متغیر وابسته اثر می‌گذارد کاربرد مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی مناسب به‌نظر می‌رسد. در کنار دیگر مزایای این مدل، مدل فوق تأثیر متغیرهای توضیحی و حتی خودمتغیر وابسته را با وقفه بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. درواقع این مدل پویا است یعنی رفتار متغیرها را در طول زمان بررسی می‌کند (نوفرستی، ۱۳۸۹: ۵۷). در این پژوهش، برای بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و متغیرهای کنترلی برای برآورد مدل از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده خواهد شد.

۴-۲-۱. بررسی مانایی داده‌ها

فرایند تصادفی هنگامی مانا نامیده می‌شود که میانگین و واریانس آن طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین این دو دوره بستگی داشته باشد (گجراتی، ۱۳۷۸).

مبنای فرض آماری در آزمون مانایی بدین‌صورت است که فرض H_0 مبنی بر وجود ریشه واحد و نامانایی متغیرها، فرض H_1 مبنی بر عدم ریشه واحد و نشان‌دهنده مانا بودن متغیرها است. نکته حائز اهمیت در مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی این است که متغیرهای مدل می‌تواند $I(0)$ یا $I(1)$ باشد ولی نباید از نوع $I(2)$ باشد.

۴-۲-۲. انتخاب وقفه بهینه و برآورد مدل

با توجه به رابطه (۱) که در مباحث فوق مطرح شد مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی برای پژوهش حاضر و تعیین وقفه‌های بهینه به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

$$\ln T_t = \alpha + \beta_1 \ln gdp_{it} + \beta_2 gov_t + \beta_3 Fdi_t + \beta_4 \ln VT_t + \beta_5 \ln Ex_t + \beta_6 \ln gdp_{iq} + u_t \quad (2)$$

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موارد در مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی تعیین تعداد وقفه‌های بهینه است. تعداد وقفه‌های بهینه مربوط به هریک از متغیرهای توضیح‌دهنده را می‌توان با کمک یکی از ضابطه‌های اکائیک (AIC)، حنان - کوئین (HQC) و شوارتز - بیزین (SBC) مشخص کرد. در این پژوهش به دلیل اینکه داده‌های موجود از نوع سری زمانی بوده و تعداد آن از ۱۰۰ کمتر است، تعداد وقفه‌های بهینه با استفاده از معیار شوارتز - بیزین (SBC) مشخص شده است (نوفرستی، ۱۳۸۹).

برای تخمین مدل بلندمدت ابتدا باید به بررسی وجود یا عدم رابطه بلندمدت پرداخت، بدین‌منظور از آزمون‌های متفاوتی مانند آزمون انگل-گرنجر، آزمون یوهانسون-جوسیلیوس و آزمون باندپسران استفاده می‌شود. در دو روش انگل-گرنجر و یوهانسون-جوسیلیوس همه متغیرها باید $I(1)$ باشد، ولی در روش باندپسران می‌تواند گروهی از متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ باشد. از آنجاکه در مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی لازم نیست همه متغیرها $I(1)$ باشد بلکه می‌تواند $I(0)$ و $I(1)$ نیز باشد بنابراین در این پژوهش از آزمون باندپسران (F کرانه‌ها) استفاده می‌شود، سپس فروض کلاسیک بررسی خواهد شد.

اگر مدل زیر را در نظر بگیریم:

$$Y = \alpha_0 + \alpha_1 X_1 + \alpha_2 X_2 + \dots + \varepsilon \quad (3)$$

متغیر Y وابسته و متغیرهای X مستقل هستند.

متغیرهای مستقل با توجه به ضرایب، Y را توضیح می‌دهد و تساوی معادله بالا را نتیجه می‌شود. برای اینکه ضرایب متغیرهای توضیحی و باقی‌مانده‌های تخمین، قابل‌اتکا و صحیح باشد، فرض‌هایی باید رعایت شود تا نتیجه برآورد مشکلی نداشته باشد.

در مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی باید این فروض کلاسیک که شامل نرمالیتی، خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی و ... است مورد بررسی و تأیید قرار گیرد. فروض کلاسیک دو فرض H_0 و H_1 دارد که بر مبنای پذیرش این فروض اگر

آماره مدنظر در ناحیه پذیرش فرض قرار گیرد فرض مورد نظر قبول می‌شود و در غیر این صورت رد خواهد شد.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج مدل پرداخته خواهد شد. متغیرهای پژوهش از لحاظ پایایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در ادامه رابطه کوتاه مدت و بلندمدت برآورد می‌شود، آزمون رگرسیون و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل برای تمامی فرضیه‌های پژوهش انجام شده است.

۵-۱. آمار توصیفی

براساس داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، به صورت خلاصه آمار توصیفی در جدول ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. آمارهای توصیفی

متغیر	LnT	Lngdpi	Gov	OFdi	LnVT	LnEx	Lngdpiq
Maximum	۲۲/۹۲۳۴۸۵۹۲	۲۶/۸۴۶۷۴۵	۳۹/۳	۴/۵۶۱۷۱۷۱۷۵	۲۵/۳۲۸۰۳۴۵۲	۱۲/۳۴۰۶۴۲۸۷	۲۶/۰۳۰۳۶۹۴۹
Minimum	۶/۹۰۷۷۵۵۲۷۹	۲۵/۸۳۰۴۴۰۸۶	۱۵/۲	- ۴/۵۴۱۵۹۲۲۲۶	۲۳/۳۵۱۶۱۵۲۶	۷/۰۹۵۹۷۶۰۶۸	۲۳/۸۲۷۴۶۴۰۷
Mean	۱۷/۳۳۰۸۶۰۱۴	۲۶/۴۵۴۰۷۵۸۳	۲۸/۲۴۰۶۲۵	-/۱۵۶۱۴۰۱۵۷	۲۴/۳۹۸۷۷۹۲۳	۹/۲۳۱۳۰۳۵۴۶	۲۵/۲۱۳۷۳۹۷۳
Median	۲۰/۶۵۹۱۷۲۳	۲۶/۵۱۶۳۹۵۵	۲۹/۶	۰/۰۰۳۰۷۲۵۳۵	۲۴/۵۲۷۰۷۴۲۳	۹/۰۹۳۰۵۰۸۶۶	۲۵/۳۳۱۳۴۸۴
Std.dev.	۶/۵۵۹۰۳۷۲۱۵	۰/۳۰۸۲۲۱۸۴۵	۸۳۰۳۲۳۹۱۴۲	۱/۸۶۳۵۸۸۹۷۷	۰/۶۶۶۸۳۶۳۰۱	۰/۰۶۲۳۳۰۸۹۵	۰/۶۰۵۱۶۵۶۵۱
Observation	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است متغیر وابسته سطح تجارت ایران و عراق (LnT) با توجه به ۳۲ مشاهده موجود دارای میانگین و میانه ۱۷/۳۳ و ۲۰/۶۵ است، همچنین بیشینه و کمینه متغیر وابسته برابر است با ۲۲/۹۲ و ۶/۹۰ که به سال‌های ۲۰۱۹ و ۱۹۸۹ مربوط است. به‌طور خلاصه با توجه به نتایج به‌دست آمده در بین مشاهدات موجود؛ بیشترین انحراف معیار به داده‌های نرخ ارز و کمترین انحراف معیار

به متغیر تولید ناخالص ملی ایران مربوط است. به طور مشابه مقادیر مربوط به سایر متغیرهای مستقل و تعدیل کننده نیز قابل تفسیر است.

۵-۲. آزمون های مدل

۵-۲-۱. آزمون مانایی

در این قسمت از پژوهش برای جلوگیری از پیدایش رگرسیون کاذب در مدل، به بررسی وجود یا عدم ریشه واحد در متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. همچنین دلیل دیگر ضرورت بررسی وجود ریشه واحد این است که اگر متغیرهای مدل مانا نباشد، مقادیر بحرانی آماره های t و F نیز دیگر کاربردی ندارد. بنابراین، طبق نظریه هم جمعی در اقتصادسنجی نوین، ضروری است برای اجتناب از مشکل رگرسیون جعلی در تحلیل رگرسیون، نسبت به مانایی متغیرها اطمینان حاصل کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون با استفاده از روش دیکی-فولر تعمیم یافته

متغیر	مقادیر بحرانی در سطح ۵ درصد	آماره	احتمال	نتیجه
LnT	-۱/۹۵۲۰۶۶	۰/۷۶۶۹۶۷	۰/۸۷۴۳	نامانا
Lngdpir	-۱/۹۵۲۰۶۶	۴/۳۲۳۹۴۵	۱/۰۰۰۰	نامانا
Gov	-۱/۹۵۲۰۶۶	۰/۳۱۳۰۹۹	۰/۷۶۹۱	نامانا
OFdi	-۱/۹۵۲۰۶۶	-۲/۱۹۸۷۴۰	۰/۰۲۹۰	مانا
LnVT	-۱/۹۵۲۰۶۶	۱/۵۰۲۱۲۸	۰/۹۶۴۱	نامانا
LnEx	-۱/۹۵۲۰۶۶	۴/۴۲۳۲۱۱	۱/۰۰۰۰	نامانا
Lngdpiq	۱/۰۵۲۰۶۶	۱/۰۲۳۲۲۳	۰/۹۱۵۶	نامانا

مأخذ: همان.

روش های متفاوتی برای بررسی مانایی متغیرها و انجام آزمون ریشه واحد وجود

دارد که در این پژوهش از روش دیکی-فولر تعمیم یافته^۱ استفاده شده است. جدول فوق نشان می‌دهد که تمامی متغیرها به‌غیر از متغیر OFdi (شاخص سرمایه‌گذاری در خارج) در سطح نامانا است و برای ماناسازی آن آزمون ریشه واحد با یکبار تفاضل‌گیری انجام می‌شود. در جدول ۳ نشان می‌دهد که سایر متغیرها با یکبار تفاضل‌گیری مانا شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون با استفاده از روش دیکی-فولر تعمیم یافته در تفاضل مرتبه اول

متغیر	مقادیر بحرانی در سطح ۵ درصد	آماره	احتمال	نتیجه
LnT	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۵/۳۸۳۰۶۹	۰/۰۰۰۰	مانا
Lngdpir	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۳/۵۰۳۷۱۴	۰/۰۰۱۰	مانا
Gov	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۴/۵۷۰۹۴۴	۰/۰۰۰۰	مانا
LnVT	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۳/۵۸۷۴۰۵	۰/۰۰۰۸	مانا
LnEx	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۲/۶۱۱۴۵۶	۰/۰۱۰۹	مانا
Lngdpiq	-۱/۹۵۲۴۷۳	-۷/۸۲۱۹۵۶	۰/۰۰۰۰	مانا

مأخذ: همان.

با توجه به اینکه سری‌های زمانی مورد استفاده در مدل برخی $I(0)$ و $I(1)$ هستند و در روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی نیز داده‌ها می‌تواند یکی از این دو مدل یا ترکیبی از این دو باشد بنابراین مانعی برای ایجاد یک مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی وجود نخواهد داشت.

۲-۲-۵. آزمون هم‌انباشتگی و تعیین رابطه بلندمدت

در این مرحله باید به بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها پرداخت. اگر متغیرهای ما به‌گونه‌ای بود که همگی در سطح مانا $I(0)$ قرار داشت، به انجام آزمون هم‌انباشتگی نیازی نبود ولی چون حداقل یکی از متغیرها در سطح مانا نیست، باید

1. Dickey-Fuller Test (ADF)

آزمون هم‌انباشستگی یا رابطه بلندمدت بین متغیرها بررسی شود. از آنجاکه متغیرهای مدل $I(0)$ و $I(1)$ هستند باید از آزمون ارائه شده پسران، شین و اسمیت به نام آزمون F کرانه‌ها (باندپسران) استفاده شود.

جدول ۴. نتایج آزمون وجود رابطه بلندمدت

F – Bounds Test				
Test Statistic	Value	Significance	I(0)	I(1)
		٪۱۰	۱/۹۹	۲/۹۴
F-statistic	۶/۳۴۴۵۴۸۶	٪۵	۲/۲۷	۳/۲۸
		٪۲/۵	۲/۵۵	۳/۶۱
		٪۱	۲/۸۸	۳/۹۹

مأخذ: همان.

با توجه به اینکه آماره آزمون مقدار $۶/۳۴$ را به خود اختصاص داده است و بیشتر از کران بالای مقادیر بحرانی ارائه شده در جدول حتی در سطح معناداری ۱ درصد است، فرضیه عدم وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای مدل رد می‌شود و نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها با سطح اطمینان ۹۹ درصد است.

۳-۲-۵. بررسی نرمالیتی

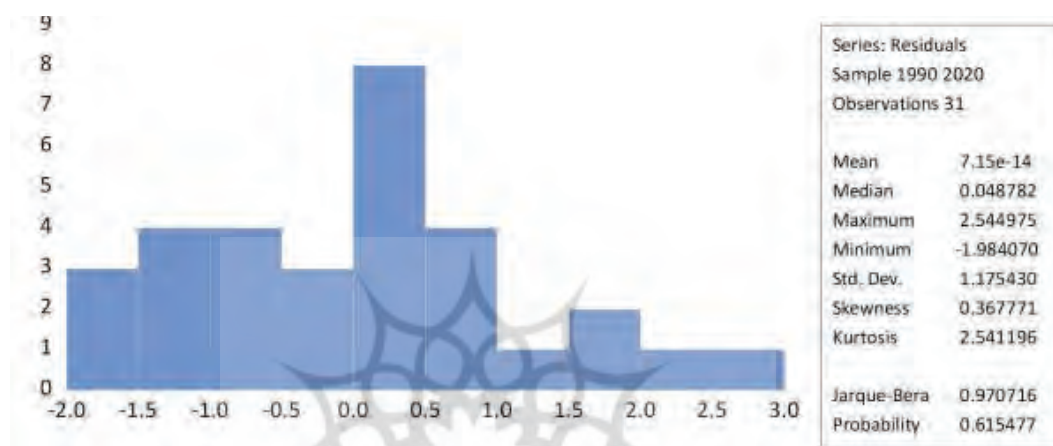
براساس نمودار آزمون نرمالیتی داده‌ها، توزیع نرمال برقرار است و با توجه به اینکه احتمال آن دارای مقدار $۰/۶۱۵۴۷۷$ است و بالاتر از مقدار $۰/۰۵$ است، فرض H_0 که همان نرمال بودن توزیع را نشان می‌دهد مورد تأیید خواهد بود.

۴-۲-۵. واریانس جملات خطا ثابت (آزمون ناهمسانی واریانس)

واریانس ناهمسانی یکی از موضوع‌های مهم در اقتصادسنجی است و به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون، مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر است که طبق فروض کلاسیک واریانس خطاها باید همسان باشد. با توجه به

اینکه داده‌های ما از نوع سری زمانی است به جهت برآورد واریانس ناهمسانی در این پژوهش از آزمون ARCH^۱ استفاده شده است.

نمودار ۴. آزمون نرمالیتی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۵. آزمون ناهمسانی واریانس به روش ARCH

Heteroskedasticity Test: ARCH			
نوع آزمون	آماره F	احتمال	نتیجه آزمون
واریانس ناهمسانی	۲/۱۲۱۳۷۳	۰/۱۵۶۴	واریانس خطاها همسان است

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۵-۲-۵. عدم خودهمبستگی (آزمون خودهمبستگی)

در صورتی که بین جملات خطا همبستگی وجود داشته باشد ضرایب برآورد شده مدل پژوهش کارا نیست و واریانس باقی‌مانده مدل کمتر از مقدار واقعی در جامعه آماری است. اگر همبستگی در داده‌های مقطعی اتفاق بیفتد همبستگی خوشه‌ای و اگر در داده‌های سری زمانی پدید آید همبستگی سریالی نامیده می‌شود. نتایج

1. Autoregressive Conditional Heteroscedasticity

حاصل از این آزمون که به روش بریوش گادفری^۱ (LM) انجام شده است در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۶. آزمون خودهمبستگی به روش LM

Serial Correlation LM Test			
نوع آزمون	آماره F	احتمال	نتیجه آزمون
خودهمبستگی	۱/۰۲۴۱۹۲	۰/۳۷۷۲	بین خطاها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد

مأخذ: همان.

۳-۵. روابط بلندمدت

زمانی که از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل شد و پس از برقراری فروض کلاسیک، می‌توان مدل بلندمدت به روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی را براساس معیار شوارتز-بیزین تخمین زد. نتایج تخمین مدل بلندمدت در جدول ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۷. نتایج حاصل از تخمین بلندمدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	Tآماره	احتمال
Lngdpir	۵/۵۷۵۰۴۳	۵/۰۴۴۴۰۲	۱/۱۰۵۱۹۴	۰/۲۸۱۰
Gov	۰/۳۵۵۶۸۴	۰/۰۳۸۴۷۷	۹/۲۴۴۱۸۸	۰/۰۰۰۰
OFdi	۰/۳۰۱۳۵۱	۰/۱۲۸۳۹۳	۲/۳۴۷۰۹۶	۰/۰۲۸۳
LnVT	۳/۲۳۱۱۲۵	۱/۳۲۹۹۲۵	۲/۴۲۹۵۵۴	۰/۰۲۳۷
LnEx	-۰/۹۴۴۱۴۷۱	۰/۳۲۲۰۱۵	-۲/۹۲۳۶۸۸	۰/۰۰۷۹
Lngdpiq	۳/۴۹۳۹۵۹	۱/۳۸۴۵۰۳	۲/۵۲۳۶۱۹	۰/۰۱۹۳
C	-۲/۹۸۱۷۴۹	۷۷/۵۷۲۲۴	-۳/۸۴۳۸۳۵	۰/۰۰۰۹

مأخذ: همان.

نتایج تخمین در بلندمدت نشان می‌دهد که همه ضرایب به‌غیر از ضریب متغیر Lngdpir (تولید ناخالص داخلی ایران) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛

1. Breusch-Godfrey Test

بنابراین با اینکه متغیر تولید ناخالص داخلی می‌توانست تأثیر بسزایی در موضوع پژوهش داشته باشد ولی به دلیل معنادار بودن ضریب آن و بی‌اثر بودن آن از تفسیر این متغیر مستقل صرف‌نظر می‌شود. تفسیر نتایج بلندمدت در ادامه قابل‌مشاهده است.

۴-۵. مدل تصحیح خطا

پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای اقتصادی، می‌توان از الگوهای تصحیح خطا^۱ استفاده کرد. این الگوها بین نوسان‌های کوتاه‌مدت متغیرها و مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط برقرار می‌کند. با استفاده از این الگوها نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. جدول زیر نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا را نشان می‌دهد.

جدول ۸. نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	T آماره	احتمال
CointEq (-1)	-۰/۸۶۷۶۴۸	۰/۱۰۶۰۷۴	-۸/۱۷۹۶۱۸	۰/۰۰۰۰

مأخذ: همان.

ضریب CointEq(-1) درواقع همان ضریب ECM(-1) است در صورتی که منفی و معنادار باشد نتایج مدل قابل‌اعتماد خواهد بود. ضریب تصحیح خطا در این مدل ۰/۸۶- و از لحاظ آماری معنادار است. در نتیجه الگوی کوتاه‌مدت و بلندمدت باهم مرتبط است و در هر دوره ۸۶ درصد از عدم تعادل در دوره بعد تصحیح و به مدل بلندمدت خود نزدیک می‌شود. اگر ضریب تصحیح خطای به‌دست آمده مقداری بین ۰ و ۱- باشد همگرایی نمایی وجود خواهد داشت، اگر مقدار آن بین ۱- و ۲- باشد همگرایی سینوسی، اگر مقدار آن کوچک‌تر از ۲- باشد واگرایی سینوسی و اگر مقدار

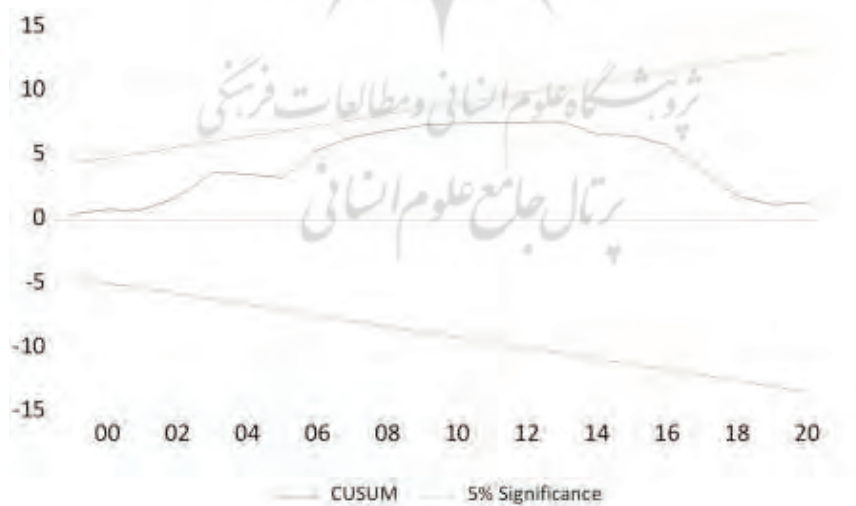
1. Error-Correction Model (ECM)

به دست آمده بزرگتر از ۰ باشد واگرایی نمایی وجود خواهد داشت. بنابراین در این مدل با توجه به اینکه ضریب تصحیح خطای برآورد شده $0 > -0.86 > -1$ است همگرایی نمایی می شود.

۵-۵. آزمون ثبات مدل

آزمون های ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی منعکس کننده ثبات در ضرایب تخمینی در دوره مورد بررسی است. آزمون پسماند تجمعی برای یافتن تغییرات سامان مند در ضرایب رگرسیون و آزمون مجذور پسماند تجمعی زمانی که انحراف از پایداری ضرایب رگرسیون اتفاقی و ناگهانی است مفید است. اگر شکل پسماند تجمعی، بین دو خط موازی صاف (فاصله اطمینان ۹۵ درصد) قرار گرفت که برابری آنها را براون و همکاران ارائه داده اند فرضیه صفر مبنی بر عدم شکست ساختاری پذیرفته می شود؛ در غیر این صورت فرضیه وجود شکست ساختاری پذیرفته می شود. مطالب فوق در مورد نمودار مجذور پسماند تجمعی نیز صدق می کند (تشکینی، ۱۳۸۴).

نمودار ۵. نتایج آزمون ثبات مدل به روش Cusum



مأخذ: یافته های تحقیق.

همان‌طور که مشاهده می‌شود آماره برآوردی (خط آبی) بین دو خط بحرانی قرار گرفته است که همان فاصله اطمینان ۹۵ درصد است، بنابراین شکست ساختاری در مدل وجود ندارد و حکایت از پایداری ضرایب برآوردی دارد و ثبات دائمی بلندمدت برای الگوی مورد نظر قابل قبول است.

نمودار ۶. نتایج آزمون ثبات مدل به روش Cusum of Squares



مأخذ: همان.

۵-۶. تفسیر نتایج مدل تحقیق

ضرایب به دست آمده از مدل و آماره‌ها نشان‌دهنده این است که میان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم و سطح روابط تجاری ایران و عراق رابطه بلندمدت وجود دارد. اولین متغیر در توسعه روابط خارجی و افزایش رابطه تجاری با عراق حائز اهمیت است از این‌رو متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در کشورهای مختلف دنیا می‌تواند مهم‌ترین متغیر باشد که طبق نتایج مدل بلندمدت ضریب متغیر برابر با ۰/۳۰ است به این معنا که اگر به میزان یک واحد کشور در خارج از مرزهای داخلی سرمایه‌گذاری کند، سطح تجارت ایران و عراق ۰/۳ واحد افزایش خواهد

یافت؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در خارج کشور هم باعث افزایش قدرت نرم در سایر کشورها و هم باعث توسعه روابط خارجی خواهد شد. مبانی نظری پژوهش بر سه اصل دسترسی به بازارها، انتقال فناوری و کاهش موانع این نتیجه را تأیید می‌کند. مؤلفه دیگر حجم تجارت خارجی ایران با سایر کشورهای دنیا به‌غیر از عراق است. نتایج نشان می‌دهد هرچقدر تجارت خارجی ایران با سایر کشورهای جهان بیشتر شود اثر مثبتی در افزایش روابط تجاری ایران و عراق خواهد داشت و پرواضح است روابط بیشتر با کشورهای مختلف باعث مقبولیت بیشتر و راه‌های ارتباطی بیشتر برای تجارت و توسعه خارجی از جمله عراق خواهد بود. بنا بر آمارهای برآوردی اگر به میزان یک واحد تجارت خارجی ایران با سایر کشورها افزایش یابد سطح تجارت ایران و عراق به مقدار $3/23$ واحد افزایش خواهد یافت.

آخرین متغیر مستقل در مدل متغیر شاخص حکمرانی خوب است، طبق تعریف این متغیر برای توسعه پایدار هر کشور به یک حاکمیت خوب و دولت کارآمد نیاز دارد و اصول و قواعدی است که در بخش دوم توضیح داده شد و یکی از پایه‌های اساسی توسعه هر کشور توسعه اقتصادی است. افزایش قدرت نرم باعث افزایش قدرت اقتصادی خواهد شد، بنابراین با توجه به نتیجه به‌دست آمده از مدل اگر شاخص حاکمیت خوب یک واحد افزایش یابد روابط تجاری ایران و عراق $0/35$ واحد افزایش می‌یابد که این تأثیرگذاری و پیشرفت از طریق افزایش قدرت نرم اتفاق می‌افتد.

درخصوص دو متغیر کنترلی پژوهش؛ تولید ناخالص داخلی عراق رابطه مثبت و معناداری دارد به این صورت که با افزایش تولید ناخالص داخلی کشور عراق و قدرت اقتصادی داخلی آن سطح روابط تجاری ایران و عراق نیز بهتر و بیشتر شده است. دیگر متغیر کنترلی نیز نرخ ارز است که رابطه معنادار و منفی آن اثبات شده است به این معنا که افزایش نرخ ارز سبب کاهش روابط تجاری ایران و عراق شده است.

در تفسیر نتایج کوتاه‌مدت همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بیشتر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم در کوتاه‌مدت آثار خود را به‌صورت مستقیم و گاهی با یک وقفه یک‌ساله نشان می‌دهد. طبق جدول نتایج مدل کوتاه‌مدت پویا شاخص حکمرانی

خوب بعد از یک وقفه یک‌ساله اثر خود را بر روابط تجاری ایران و عراق نشان می‌دهد و دلالت بر آن دارد که اگر شاخص حکمرانی خوب افزایش یابد، از طریق افزایش قدرت نرم به افزایش سطح تجارت ایران با عراق در سال بعد منجر خواهد شد.

متغیرهایی مانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حجم تجارت خارجی ایران به‌غیر از عراق و تولید ناخالص داخلی عراق دارای اثر مستقیم، معنادار و مثبت بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق خواهد بود. تنها متغیر نرخ ارز در کوتاه‌مدت رابطه مستقیم و منفی بر روابط ایران و عراق خواهد داشت.

تنها مؤلفه بی‌معنا در این نتایج، تولید ناخالص داخلی ایران است که طبق فرضیه باید تأثیر مهم و قابل توجهی بر روابط اقتصادی با کشورهای دیگر داشته باشد، اما از لحاظ آماری نه در سطح اطمینان ۵ درصد و نه در سطح اطمینان ۱۰ درصد معنادار نیست. در نتیجه، تولید ناخالص داخلی اثر معناداری بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق نداشته است. البته این بدان معنا نیست که اثر این متغیر در مورد سایر کشورها و در مجموع تجارت خارجی ایران بی‌معنا باشد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روابط تجاری ایران و عراق در بستر تحلیلی قدرت نرم پرداخته شد و نشان داد مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم بر سطح روابط این دو کشور تأثیر بسیار داشته است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد امروزه قدرت نرم، بسیار مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته و به‌عنوان ابزاری برای کسب موفقیت در سیاست و اقتصاد در عرصه بین‌الملل استفاده می‌شود. کشور ما هم قطعاً به پیشرفت بیشتری در زمینه قدرت نرم نیاز دارد و راه رسیدن به این مقصود تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم است. در این پژوهش مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران احصا شد و به این سؤال پاسخ داده شد که آیا روابط تجاری ایران و عراق از منظر قدرت نرم قابل تفسیر است؟ و اینکه آیا بهبود مؤلفه‌های قدرت نرم ایران باعث توسعه روابط با عراق خواهد شد یا خیر؟

برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش، از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شد و با بهره‌گیری از داده‌های آماری مربوط به سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۲۰ میلادی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در این پژوهش متغیر وابسته سطح روابط تجاری ایران و عراق در نظر گرفته شد و چهار متغیر مستقل که همان مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم شامل؛ تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج، حجم تجارت خارجی و شاخص حکمرانی خوب مورد استفاده قرار گرفت. پس از برآورد مدل و انجام آزمون‌های مربوطه، نتایج به‌دست آمده رابطه بلندمدت میان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم و توسعه روابط تجاری ایران و عراق را نشان می‌دهد. به‌طور دقیق‌تر نتایج پژوهش دلالت بر آن دارد که:

- ✓ هر مقداری که سرمایه‌گذاری ایران در خارج از مرزهای داخلی بیشتر شده است، روابط تجاری ایران و عراق نیز افزایش یافته و نشان از افزایش قدرت نرم و نقش بسیار مؤثر آن در توسعه روابط خارجی ایران دارد.
- ✓ با افزایش رابطه تجاری ایران با کشورهای دیگر، روابط تجاری ایران و عراق نیز بیشتر شده و نشان می‌دهد هرچقدر با سایر کشورهای جهان ارتباط برقرار شود باعث افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.
- ✓ به هر میزان شاخص حکمرانی شایسته بهبود یابد، روابط تجاری ایران و عراق نیز بهتر خواهد شد و درنهایت اگر در زمینه‌های فرهنگی، کارایی، شفافیت مالی و جلوگیری از فساد موفق باشد، قدرت نرم کشور افزایش یافته و روابط تجاری خارجی هم توسعه می‌یابد.
- ✓ تولید داخلی کشور عراق نیز در بهبود روابط ایران و عراق تأثیر مثبتی دارد و با افزایش سطح تولیدات داخلی عراق روابط تجاری افزایش خواهد یافت.
- ✓ افزایش نرخ ارز بلندمدت باعث کاهش روابط تجاری ایران و عراق خواهد شد.

پیشنهادهای

قدرت نرم جنبه‌های مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها ابعاد اقتصادی است.

در نتیجه توصیه سیاستی اول به تأکید بر استفاده از این ابزار در پیشبرد اهداف اقتصادی مربوط است که از جمله توسعه روابط تجاری به کشورهای مختلف دنیا با هدف توسعه بازارهای صادراتی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی است.

پژوهش حاضر نشان داد که چهار مؤلفه اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی، توسعه روابط تجاری، سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و حکمرانی شایسته، نقش بی‌بدیلی در توسعه روابط تجاری ایران با عراق دارد. بنابراین توصیه سیاستی دوم مبتنی بر همین نتایج شکل می‌گیرد و آن این است که چنانچه کشور نیازمند توسعه صادرات به کشورهای مختلف دنیاست، باید نسبت به سرمایه‌گذاری در سایر کشورها اقدام کند و از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی استقبال نماید. همچنین بهبود تولید ناخالص داخلی، تلاش برای توسعه روابط تجاری و همچنین بهبود سطوح مختلف حکمرانی در استمرار همان سیاست قبلی ضروری به نظر می‌رسد.

توصیه سیاستی سوم نیز مبتنی بر این اصل شکل می‌گیرد که سیاست‌گذاری درخصوص مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی که به بهبود قدرت نرم منجر می‌شود، باید در دستور کار قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. بیگدلو، مهدی (۱۳۹۰). «تأثیر پدافند غیرعامل بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، ۹ (۳۴).
۲. تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، *اقتصادسنجی کاربردی به روش Microfit*، ناشر مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران.
۳. جدیدی، علی، سوناز نصیری و سیدصاحب برزین (۱۴۰۰). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق (۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره یازدهم، ش ۴.
۴. جعفری، علی اکبر و ملیحه نیکروش (۱۳۹۲). «منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال نهم، دوره ۲، ش ۴.
۵. حسن پور، یوسف (۱۳۹۰). «بررسی زمینه‌های صادراتی ایران در تجارت با عراق با رویکرد شاخص پتانسیل صادراتی دوجانبه»، *بررسی‌های بازرگانی*، ۴۶.
۶. حیدری، نصرت‌اله، یونس عزتی و سارا فلاحی (۱۴۰۱). «نقش و جایگاه راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۱۲ (۱).
۷. خادمی، سیدموسی (۱۳۸۷). *بررسی و شناخت تهدیدات اقتصاد ملی و ارائه الگوی ارزیابی آنها*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
۸. درج، حمید و مهدی هدایتی شهیدانی (۱۴۰۰). «تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تقویت قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق (۲۰۲۰-۲۰۰۳)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره یازدهم، ش ۲.
۹. رفیع، حسین و ملیحه نیکروش (۱۳۹۲). «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ش ۲۲.
۱۰. سایت بانک جهانی / <https://www.worldbank.org/>.
۱۱. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / <https://www.cbi.ir/>.
۱۲. سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران / <https://www.irica.ir/>.
۱۳. سایت مرکز آمار ایران / <https://amar.org.ir/>.
۱۴. سیف، الله‌مراد و علی اکبر حافظیه (۱۳۹۲). «راهبردهای تجارت بین‌الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۶۰.
۱۵. عسگری، محمود (۱۳۹۰). *قدرت افکنی؛ الزامی برای دارندگی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. علایی پور، فرشته و عبدالمحمد کاشیان (۱۴۰۱). «تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دوازدهم، ش ۱.

۱۷. قربی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۰). «تحلیل محتوای برجستگی منابع قدرت نرم در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، سال هفتم، ش ۱.
۱۸. گجراتی، دامودار (۱۳۷۸). *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. نادری، مسعود، ابوالفضل جعفرقلیخانی و طیبہ بلوردی (۱۴۰۰). «نقش مؤلفه‌های حکمرانی خوب در تحقق قدرت نرم اقتصادی ایران (مطالعه موردی نظام بانکی)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال یازدهم، ش ۳.
۲۰. نای، جوزف اس (الف ۱۳۸۷). *رهبری و قدرت هوشمند*، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران، ابرار معاصر.
۲۱. ——— (ب ۱۳۸۷). *قدرت نرم، ابزارهای موقعیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، چاپ دوم، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. ——— (ج ۱۳۸۷). *قدرت نرم در عصر اطلاعات*، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. نجات‌نیا، مهدی (۱۳۹۶). *سایه روشن‌های بازار عراق*، تهران، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.
۲۴. نوفرستی، محمد (۱۳۸۹). *ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

25. Baldwin, R. and S.J. Evenett (Eds.) (2019). *COVID-19 and Trade Policy: Why Turning Inward Won't Work*, CEPR Press.
26. Blomström, M., A. Kokko and M. Zejan (1997). "Foreign Direct Investment: Firm and Host Country Strategies", *Economic Journal*, 107 (445).
27. Dagher, S. (30 May 2009). "Devotion and Money Tie Iranians to Iraqi City", *The New York Times*, Available At: <http://www.Nytimes.com/2009/05/31/world/middleeast/31karbala.html>.
28. De Martino, M. (2020). "Soft Power: Theoretical Framework and Political Foundations", *Przegląd Europejski*, 4.
29. Helpman, E., M.J. Melitz and S.R. Yeaple (2004). "Export versus Versus FDI With Heterogeneous Firms", *American Economic Review*, 94 (1).
3. Hoekman, B. and M.M. Kościecki (2009). *The Political Economy of the World Trading System: WTO and Beyond* (3rd ed.), Oxford University Press.
31. Katzman, K. (2008). "Iran's Activities and Influence in Iraq", *Congressional Research Service*, Available At: yun.ir/h11wa4.

32. Krugman, P., M. Obstfeld and M.J. Melitz (2018). International Economics: Theory and Policy (11th ed.), Pearson.
33. Lipsey, R.E. and F. Sjöholm (2004). "Foreign Direct Investment, Education, and wages Wages in Indonesian Manufacturing", Journal of Development Economics, 73 (1).
34. Melissen, J. (Ed.) (2005). The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations, Palgrave Macmillan.
35. Nye Jr., J.S. (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics, Public Affairs.
36. Pesaran, H., Y. Shin and R. Smith (2001). "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships", Journal of Applied Econometrics, Vol. 16.
37. Rouse, J. (1996). Power and Knowledge. G. Gutting, The Cambridge Companion to Foucault, Cambridge, Cambridge University Press.
38. USC Center on Public Diplomacy (2019). A Global Ranking of Soft Power 2019, USC Center on Public Diplomacy.
39. Wang, B. (2007). "The Iraq War and the New Iran-Iraq Relations", Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia), 1(1).
40. Wang, Y. (2016). Soft Power and Chinese Foreign Policy: Theory and Practice, Lexington Books.
41. Wong, Edward (2007). "Iran Isplaying Growing Role in Iraq Economy", Available Atat: <https://www.Nytimes.com/2007/03/17/world/middleeast/17iran.html>.
42. WTO World Trade Organization (WTO) (2021). "Understanding the WTO: Principles of the Trading System".
43. Yang, R. (2010). "Soft Power and Higher Education: An Examination of China's Confucius Institutes", Globalisation, Societies and Education, 8(2).
44. Znojek, Monika (2018). "Culture as a Source of Soft Power", Wydawnictwo Naukowe Uniwersytetu Szczecińskiego, 53 (2).